The variety of themes of Kazi Nazrul Islam's songs in the praise of Prophet Muhammad (S)

Mahadi Hassan

Abstract

The national poet of Bangladesh Kazi Nazrul Islam is a symbol of independence, freedom, justice, equality, brotherhood, love and affection. In addition to composing poems and writing articles, stories, novels and plays, he composed many songs, a large part of which are Islamic songs. By composing those songs, he was able to prove that Islam is a religion of culture, love and spirituality. The largest part of these Islamic songs is regarding the praise and narration of the Prophet Muhammad (PBUH), through which he created the love and affection of the Prophet (PBUH) in the heart and memory of the Bengali Muslims. The praise songs of the Prophet (PBUH) composed by Kazi Nazrul Islam are full of various themes and contents. These verses are very interesting, heartwarming and full of love and affection for the Prophet (PBUH). Undoubtedly, in this field, Kazi Nazrul Islam is unique and unparalleled in the Bengali literature. Therefore, apart from a brief acquaintance with the life of this poet, a true lover of the Prophet of Islam (PBUH), the purpose of the article is to introduce the various themes of his praise-poems regarding the Prophet (PBUH), which are composed in the form of melodious songs. In addition, the definition of Na't (Praise song) and Na't of the Prophet (PBUH) is briefly discussed in this article.

Key words: Kazi Nazrul Islam, Prophet Muhammad (PBUH), Song, Na't-e-Rasool (Praise song of the Prophet Muhammad PBUH).

Dhaka University Journal of Persian (Special issue on the occasion of 50 years of Independence of Bangladesh and centenary celebrations of Dhaka University and the Department of Persian Language and Literature), Year: 6, Volume: VII, pp. 125-162, June 2022, Dhaka, Bangladesh. ISSN: 2791-0679
مجلهٔ فارسی دانشگاه داکا (شمارهٔ ویژه به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال بنگلادش و صدمین سالگرد دانشگاه داکا و گروه زبان و ادبیات فارسی)، سال: ۶، شماره: ۷، ژوئن ۲۰۲۲م.، از صفحه ۱۲۵ تا ۱۶۲

تنوّع مضامین ترانه‌های قاضی نذرالاسلام در نعت حضرت محمّد (ص)

مهدی حسن*

چکیده

شاعر ملّی بنگلادش قاضی نذرالاسلام نماد استقلال، آزادی، عدالت، مساوات، اخوت، عشق و محبت می‌باشد. علاوه‌بر سرودن اشعار و نگارش مقالات، داستان‌ها، رمان‌ها و نمایشنامه‌ها، ترانه‌های بسیار زیاد نیز به رشتهٔ تحریر در آورده است که بخشی بزرگ از آن، ترانه‌های اسلامی می‌باشد. توسط آن ترانه‌ها، وی قادر به اثبات آن دعوی شد که دین مبین اسلام دین بی‌فرهنگ و بی‌نمک نیست، بلکه دین با فرهنگ، عشق و معنویت است. بزرگ‌ترین بخش این ترانه‌های اسلامی، نعت پیامبر دین مبین اسلام حضرت محمد(ص) وی می‌باشد که بواسطه آن، وی در خاطر و ضمیر مسلمانان بنگالی چراغ عشق رسول(ص) را برافروخت. نعت‌های حضرت پیامبر گرامی(ص) که قاضی نذرالاسلام سروده، دارای مضامین و محتویات متنوّع است. این نعت‌ها جالب، دل‌انگیز و سرشار از عشق و محبت بر آن حضرت(ص) است. بی‌شک و تردید، در زمینهٔ نعت سرایی در ادبیات بنگلا، قاضی نذرالاسلام بی‌نظیر و بی‌همتا است. بنابراین، منظور از نگارش این مقاله، گذشته از آشنایی مختصر با زندگی این شاعر عاشق واقعی حضرت پیامبر(ص)، معرّفی با مضامین مختلف نعت‌های رسول(ص) او می‌باشد که به‌صورت ترانه‌های آهنگین سروده شده. علاوه‌بر این، تعریف نعت و نعت رسول(ص) هم در این مقاله به‌طور مختصر مورد بحث قرار گرفته‌است.

واژه‌های کلیدی: قاضی نذرالاسلام، حضرت محمد (ص)، ترانه، نعت رسول (ص).

---

* استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش
Email:mahadihassan.persian@du.ac.bd

مقدمه

إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا[1]

(سوره الاحزاب؛۵۶)

قاضی نذرالاسلام شاعر ملّی بنگلادش یکی از بزرگ‌ترین شاعران زبان و ادبیات بنگلا به شمار می‌آید. «او صاحب نبوغی سرکش و سرشار از شوق و زندگی و پویایی بود» (انوشه، ۱۳۷۵:۲۵۳۲). «نذرالاسلام شاعر شورشگر و انقلابی است» (اجیب‌الحق، ۲۰۰۱: ۱۰۰). شعر اعتراض‌آمیز او در برابر بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی است که نه تنها در جامعه بلکه در سراسر شبه قارّه جنبشی علیه بندگی، ظلم و ستم حکومت بریتانیای هند پدید آورده‌بود (میزان‌الرحمان، ۱۹۸۳). «او را بعد از رابیندرانات تاگور بزرگ‌ترین نابغه در شعر و ادبیات بنگلا دانسته‌اند» (نورالهدا، ۱۹۹۷). تعداد زیادی از الفاظ و واژگان فارسی و عربی در کلّ آثار وی برخوردار است که نه تنها آثارش، بلکه ادبیات بنگلا را هم غنی ساخته‌است (عارف، ۱۹۹۷). اشعار وی سرشار از موضوعات گوناگون است. بدین سبب او را می‌توان به نام‌های مختلف نظیر شاعر عشق، شاعر مساوات‌خواه، شاعر میهن‌دوست، شاعر طبیعت‌پرست و شاعر زندگی و جوانی نیز ملقّب کرد (الاسلام، ۱۹۹۰). اما تعریف دیگر نذرالاسلام که پیش مسلمانان این سرزمین آشنا است، وی شاعر اسلام و عاشق واقعی رسول‌الله حضرت محمد مصطفی صلّی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد. علّتش این است که وی ترانه‌های بسیار دلچسب و شگفت‌انگیز زیاد را در تعریف و توصیف آن حضرت(ص) سروده‌است که واقعا در ادبیات بنگلا بی‌نظیر و بی‌مثال می‌باشد. وی با شایستگی کامل این کار را انجام داد و «موفق به ایجاد افق جدیدی گردید که قبلا در ادبیات بنگلا اکتشاف نشده‌بود» (چودوری، ۲۰۰۰: ۱۳۱). البتّه بعضی از شاعران بنگالی پیش و پس از وی به تألیف اشعار یا نغماتی به ستایش حضرت رسول(ص) همّت گماشتند، امّا نتوانستند به مقام نذرالاسلام برسند. چون نغماتی که وی در مدح و ستایش حضرت پیامبر(ص) نگاشته که به‌عنوان "نعت رسول(ص)" معروف و مشهور است، چه از زاویهٔ مهارت زبان و بیان و چه از نظر لطافت آهنگ و موسیقی، هنوز هیچ‌کس از شاعران زبان بنگلا نتوانست نظیر آن‌ها شعری سراید و شاید در آینده هم نخواهد توانست. در حقیقت دل و جان او سرشار از عشق و محبت به آن حضرت بود که به‌صورت نغمات نازنین جلوه می‌کرد. «بدین خاطر، او را به لقب شاعر عاشق رسول(ص)

---

۱. خدا و فرشتگان بر روان پاک این پیغمبر درود می فرستند. شما هم ای اهل ایمان بر او درود بفرستید و بر او سلام گویید (قمشه‌ای،۱۳۸۲: ۴۲۶).

هم می‌توان ملقّب کرد» (حسن، ۲۰۱۵: ۱۲). اینک، پیش از بیان تعریف نعت و نعت رسول(ص) و ترانه‌های او در شأن حضرت خاتم انبیا(ص)، باید با قاضی نذرالاسلام به‌طور مختصر آشنا شویم.

۱. آشنایی با قاضی نذرالاسلام

اسمش "نذرالاسلام" و نام نسبی‌اش "قاضی" است (رفیق‌الاسلام، ۱۹۸۲: ۶). «پدرش قاضی فقیر احمد و مادرش زاهده خاتون است» (گوسّوامی، ۱۹۹۰: ۱۳۳). «وی در تاریخ ۲۴ ماه مه سال ۱۸۹۹ میلادی در "چورولیا"، یکی از روستاهای شهرستان "بردومان" از توابع استان بنگال غربی هندوستان دیده به جهان گشود» (احمد، ۲۰۰۱: ۴۸۴). پدر و مادرش او را دکهومیا[۲] صدا می‌کردند. علّتش این بود که پیش از وی چهار برادرش متأسفانه در کودکی یکی پس از دیگری فوت کرده‌بودند (رفیق‌الاسلام، ۱۹۸۲). «نذرالاسلام تعلیمات ابتدائی را در مکتب[۳] در روستای خود به انجام رسانید و در همان‌جا چندی به تدریس پرداخت» (احمد، ۲۰۰۱: ۴۸۵). «در هشت سالگی پدرش را از دست داد و جهت کسب معاش، به گروه لیتو[۴] پیوست و به نوشتن نمایشنامه و داستان و سرودن ترانه برای این گروه پرداخت» (نورالهدا، ۱۹۹۷:۱۰). «او برای این گروه، نمایشنامه و سرودهای عامیانه می‌نوشت و می‌سرود» (شاهدی، ۱۳۷۴:۲۰). پس از چند سال، نذرالاسلام این گروه فرهنگی را هم ترک گفت و در سال ۱۹۱۱م به شهر آسان‌سول رفت و مدتی در یک نانوایی سرگرم کار شد (شیکدار، ۱۹۹۶). «در همان هنگام یکی از افسران پلیس به نام قاضی رفیض الله او را در همان نانوایی پیدا کرد و با نبوغ وی آشنا گردید» (کمال، ۲۰۰۰: ۲۳۷). او این پسر یتیم را از این نانوایی نجات داد و به روستای خویش "قاضیر سیملا" توابع شهرستان "میمن‌سینگ" بنگال شرقی[۵] فرستاد و «در دبیرستان "دری‌رام پور" پذیرش داد» (معین‌الدین، ۱۹۹۶: ۸). «پس از یک سال، وی در دبیرستان "سیار سول‌راج" در شهرک "رانی‌گنج" توابع میمن‌سینگ ثبت نام نمود و در این‌جا تا کلاس دهم درس خواند» (نورالهدا، ۱۹۹۷:۶). «در سال ۱۹۱۸م پیش از چند ماه امتحان دیپلم وی امواج جنگ جهانی اول به سواحل استان‌های هند به‌ویژه به بنگال هم رسید» (بیگی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۵۰). «نذرالاسلام چون یک جوان باهوش و یک روح

---

۲ . صاحب رنج و اندوه و غم

۳ . مکتب خانه، حوزه علمی ابتدایی

۴. گروه بازیگری و نمایشگری محلی (شاهدی، ۱۳۷۴:۲۱)

۵ . بنگلادش فعلی

مبارزه و آزادی‌خواهی در خون او نهفته بود، درس مدرسه را ترک گفت و به کلکته رفت و در چهل و نهم بنگالی‌پلتن[۶] وارد خدمت نظام حکومت بریتانیای هند شد» (نذرالاسلام، ۱۹۹۸:۳) «و از آن‌جا به کراچی[۷] اعزام گردید» (تالوکدار، ۱۹۹۴:۲۴). او دورهٔ تربیت نظامی را که مدّت سه ماه طول کشید، به‌خوبی تمام کرد و در نتیجه انجام دادن کارهای دلیرانه زیاد، خیلی زود به درجه ماستار هابیلدار[۸] ارتقاع یافت (انوشه، ۱۳۷۵). به هنگام دو و نیم سال خدمت در ارتش و اقامت در شهر کراچی، وی زبان فارسی را به‌خوبی یاد گرفت و با آثار بزرگان ادب فارسی آشنا گردید (رفیق‌الاسلام، ۱۹۸۲). با پایان یافتن جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰م سپاه بنگالی یعنی هنگ ۴۹ بنگال هم منحل گردید (منیرالزمان و حسین، ۱۹۸۷). بدین خاطر نذرالاسلام از کراچی به کلکته بازگشت و پس از آن یک سره به فعالیت‌های گوناگون فرهنگی، ادبی و سیاسی روی آورد. آفرینش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی او نه تنها به سرودن شعر محدود می‌شد، بلکه زمینه‌های مختلف دیگر، نظیر نویسندگی، آهنگسازی، خوانندگی، روزنامه‌نگاری، مقاله‌نویسی، داستان‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و مانند آن‌ها را در می‌گرفت (انوشه، ۱۳۷۵). تمام زندگی این شاعر وطن‌پرست و مردم‌دوست مملو از رنج، اندوه و غم بود. تهی‌دستی و فقیری همراه همیشگی زندگی وی بود. اما «تراژدی عظیم زندگی نذرالاسلام این بود که، اگرچه او ۷۷ سال زندگی کرد، ولی زندگی ادبی واقعی وی بیشتر از ۲۲ سال (از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۲) طول نکشید» (حسن و زکریا، ۲۰۱۸: ۶۵). «علتش این بود که، حوادث جان‌سوز نظیر فوت دو پسر عزیزش به‌ویژه پسر دوم، بلبل، مبتلا شدن همسرش "پرومیلا" به مرض فلج در سال ۱۹۳۹ و هزینه‌های هنگفت برای درمان وی و غیره یکی پس از دیگری به او روی آورد و آرزوهای زندگیش را به یاس و ناامیدی تبدیل کرد» (بیگی، ۲۰۱۴: ۱۵۳). بر اثر این، «وی در سال ۱۹۴۲م دچار سکت مغزی شد و از آن پس، به رغم تلاش‌های مستمر برای درمان وی تا پایان عمر دستخوش اختلال هواس و بیماری روانی بود» (انوشه، ۱۳۷۵:۲۵۳۲). «در ۲۲ ماه مه ۱۹۷۲م با درخواست و دعوت دولت بنگلادش شاعر همراه با خانواده به بنگلادش آورده‌شد» (شاهدی، ۱۳۷۵:۷۴). در ماه ژانویه سال ۱۹۷۶م از طرف دولت تابعیت بنگلادش بدو عطا گردید. علاوه بر این، «دولت بنگلادش او را به شاعر ملّی اعلام نمود» (انوشه، ۱۳۷۵:۲۵۳۲). قاضی نذرالاسلام در ۲۹ ماه اوت

---

۶ . هنگ چهل و نهم بنگال

۷ . یکی از استانهای پاکستان فعلی

۸ . گروهبان درجهٔ عالی

۱۹۷۶م در داکا وفات یافت (شاهدی، ۱۳۷۵). «پیکرش با احترام رسمی در کنار مسجد دانشگاه داکا به خاک سپرده‌شد» (نذرالاسلام، ۲۰۰۷:۴۳۱).

شایان ذکر است که زندگی ادبی وی بیشتر از ۲۲ سال نبود، اما تعداد آثار ادبی قاضی نذرالاسلام ۵۹ است که مشتمل بر اشعار، نغمات، مقالات، داستان‌ها، رمان‌ها، و نمایشنامه‌ها می‌باشد که پس از وفات او، چند انتشارات مشهور نظیر "بنگلا آکادمی"و "موسسه نذرالاسلام" تالیفات وی را به صورت مجموعه چند جلدی انتشار دادند که دارای تقریبا سه هزار صفحه است.

۲. پیشینه تحقیق و بررسی ادبیات

گرچه از دورهٔ میانه جریان نعت‌سرایی در آثار شاعران بنگلا ادامه دارد، امّا بحث و تحقیق درخصوص نعت و نعت‌سرایی پیشینهٔ دیرینه در ادبیات بنگلا ندارد. مقاله‌ای بنگلا به‌عنوان "বাংলা ও ফার্সী কাব্যে না'তে রাসূল (সা)" (نعت رسول ص. در اشعار بنگلا و فارسی) توسط ک. ام. سیف‌الاسلام خان نوشته شده که در سال ۱۹۹۹م در مجلهٔ پژوهشی بنیاد اسلامی بنگلادش انتشار یافت. وی در این مقاله اسم نذرالاسلام را در ردیف نعت‌سرایان نام‌آور زبان بنگلا ذکر نموده و یکی از نعت‌های رسول(ص) وی را بیان هم کرده‌است. وی در مقالهٔ خود اظهار نظر کرد که «بنگلازبانان در اشعار و نغمات نذرالاسلام نعت‌های بی‌سابقه‌ای که مظهر مدح و ستایش حضرت رسول(ص) است، مشاهده کرده‌است» (خان، ۱۹۹۹: ۷۴). دکتر ابو موسی محمد عارف بالله در سال ۲۰۱۶م در مجلّهٔ "مجموعهٔ مقالات بزرگداشت قاضی نذرالاسلام، حافظ و فردوسی" مقاله‌ای به‌عنوان " Kazi Nazrul Islam is the best composer of Bengali *Na't-i Rasūl*(SAWS)" به انگلیسی انتشار داد که فقط چهار موضوع از موضوعات نعت‌های نذرالاسلام از نظیر: میلاد حضرت محمد(ص)، فضایل نام حضرت پیامبر، اتصال خدا با نمایش عشق به آن حضرت و بعثت حضرت رسول(ص) در آن بیان شده‌است که برای درک تمام مضامین نعت‌های وی بسنده نیست. امّا متأسفانه ابتکاری مناسب به زبان فارسی در این زمینه هنوز به چشم نمی‌خورد. این مقاله کوششی در راستای همان هدف است.

شایان ذکر است که آثار ادبی قاضی نذرالاسلام به‌طور کامل منتشر شده‌است، و حتی کل ترانه‌های اسلامی وی توسط شاعر معاصر بنگلا، عبدالمقیت چودوری، جمع‌آوری شده و

بنیاد اسلامی بنگلادش در سال ۱۹۸۰م آن را به صورت کتابی به‌عنوان *نذرالاسلام: ترانه‌های اسلامی* منتشر کرده، اما کتابی یا مقاله‌ی مجزا راجع به نعت رسول(ص) نذرالاسلام یا موضوعات آن هنوز شکل نگرفته‌است. البته پایاننامه‌ی دورهٔ ام.فیل[۹] به‌عنوان *نعت رسول(ص) در نغمات اسلامی قاضی نذرالاسلام* در سال ۲۰۱۵م در دانشگاه داکا قبول شد، امّا این پایاننامه هنوز به چاپ نرسیده‌است. این مقاله از همان پایاننامه الهام گرفته‌است.

۳. عقلانیت و اهداف پژوهش

نعوت رسول(ص) نذرالاسلام بهترین نمونه‌های نغمات وی می‌باشد. نعت‌های وی که در ادبیات بنگلا بی‌مانند و غیرقابل مقایسه با نعت‌سرایان دیگر بنگالی است، علاوه بر مدح و ستایش، موضوعات متنوّع مربوط به زندگی حضرت رسول(ص) را هم دربرمی‌گیرد که به صورت جداگانه قابل پژوهش است امّا متأسفانه این موضوع در هیچ تحقیقی به‌طور کامل مطرح نشده‌است. همچنین نبوغ نذرالاسلام در این زمینه هنوز در زبان فارسی آشکار نشده‌است. به‌علاوه، وی شخصا نزد فارسی‌زبانان به‌ویژه در ایران زیاد شناخته‌شده نیست. «اغلب آنها نمی دانند که شاعر ملّی بنگلادش نه فقط سخت متأثر از شاعران و ادبیات فارسی بود بلکه وی یک عاشق واقعی پیامبر اکرم(ص) هم بود که یکی از بنیادهای ایمان و اعتقاد مسلمانان جهان است» (حسن، ۲۰۱۵: ۱۲). بنابراین، برای آشنایی هر چه بیشتر با نبوغ ادبی نذرالاسلام این پژوهش می تواند مفید و کاربردی باشد.

۴. روش تحقیق و منابع گردآوری اطلاعات

مطالعهٔ حاضر بر مبنای اطلاعات گردآوری شده از منابع اولیه و ثانویه انجام شده‌است. شیوهٔ این مقاله هم‌زمان تحلیلی و توصیفی است، امّا مطالعه بر توصیفات متمرکز است. پژوهش این مقاله با استفاده از داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از مجموعهٔ آثار قاضی

---

۹. (Master of Philosophy) دورهٔ پژوهشی دانشگاهی سه ساله پس از دورهٔ کارشناسی ارشد. دورهٔ پیش دکترا هم گفته می‌شود.

نذرالاسلام و کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌های مربوط به زندگی و آثار ادبی این شاعر که در مکان‌های مختلف منتشر شده، انجام گرفته‌است.

۵. تعریف نعت و نعت رسول(ص)

نعت، کلمه عربی است که جمع آن نعوت است (خان، ۱۹۹۹). این کلمه هم اسم و هم مصدر و هم اسم مصدر است و معنی تعریف، مدح، ثنا، ستایش، وصف و توصیف می‌دهد.

چنانکه در لغت نامه دهخدا ذکر شده: نعت: اسم عربی (معنی‌اش)۱. صفت ۲. توصیف ۳. وصف. ۴. نشانه ۵. نشانی ۶. تعریف و وصف کردن ۷. صفت کردن کسی را (غیاث الغات) ۸. وصف کردن چیزی را به خوبی که در وی باشد و در چیزی قبیح استعمال نمی‌گردد بر خلاف وصف که حسن و قبح هر دو استعمال می‌شود. (منتهی الارب؛ آنندراج) ۹. وصف کردن چیزی را بدانچه در اوست و مبالغه کردن در وصف ۱۰. نشان دادن ۱۱. شناساندن ۱۲. توصیف ۱۳. تعریف (دهخدا، ۱۳۳۷:۶۱۸، ۶۱۹).

در تعریف آن در فرهنگ فارسی چنین آمده است: نعت: مصدر (معنی‌اش) ۱. وصف کردن (مخصوصا توصیف نیکی)؛

اسم مصدر (معنی‌اش) ۲. وصف؛ اسم (معنی‌اش) ۳. صفت، خصلت (بیشتر در مورد خدا و رسول استعمال شود) (معین، ۱۳۷۱:۴۷۵).

اما در اصطلاح، نعت اشعاری یا ترانه‌هایی است که در تعریف یا وصف و توصیف پیامبر گرامی حضرت محمد(ص) سروده می‌شود. توصیف هر بخش از بخش‌های زندگی مبارک آن حضرت(ص) نیز به نعت رسول محسوب می‌شود. حتی عرض آرزوی دل به رسول اکرم(ص)، بیان امید دیدار وی، خواستن شفاعتش در روز حشر و خواهش زیارت روضه مقدّس او هم شامل آن می‌باشد.

۶. پیشینهٔ مختصر نعت سرایی

نعت رسول(ص) یکی از مهم‌ترین بخش‌های فرهنگی دین مبین اسلام می‌باشد که گاهی وقت‌ها عبادت نیز محسوب می‌شود. رواج سرودن آن در زمان آن حضرت(ص) هم به چشم می خورد. مثلا در هنگام تشریف آوردن آن حضرت(ص) در مدینه منوّره در وقت هجرت، اهل آن شهر مبارک به احترام وی می‌سرودند:

طلع البدر علینا من ثنیات الوداع وجب الشکر علینا ما دعی لله داع (قندلوی، ۲۰۰۴: ۳۷۳)

علاوه‌برآن، شاعر رسول(ص) حضرت حسان بن ثابت (متوفی:۵۴هجری)، عبدالله بن رواحه (متوفی:۸ هجری) و کعب بن مالک انصاری (متوفی:۴۰هجری) نیز در شان وی بسیار نعت سرودند (خان، ۱۹۹۹). پس از وفات آن حضرت(ص) شاعری عربی‌زبان که در این زمینه خیلی شهرت یافت، حضرت کعب بن زهیر می‌باشد که نعتش به نام قصیده برده معروف است با مطلع زیر:

بانت سعاد فقلبی الیوم متبول　　متیم اثرها لم یفد مکبول (دهشیری، ۱۳۴۸: ۵)

در آثار شاعران فارسی‌گوی ایرانی و هندی نیز نعت‌سرائی در مدح و ستایش حضرت رسول پناه(ص) دیده می‌شود که به فرصت دیگری برای بحث و بیان آن نیاز می‌باشد. در این باره فقط یک نعت را برای آشنا شدن با آن اکتفا بدانیم که در هر مجلس دینی در هند و پاکستان و بنگلادش همیشه خوانده می‌شود و بدون سرودن آن، هیچ محفل دینی پررنگ و پررونق نمی‌شود. آن درودی است که سراینده‌اش حضرت شیخ اجل مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی را در سراسر جهان شهرت جهان بخشیده‌است. آن نعت به شرح زیر می‌باشد:

بلغ العلی بکماله * کشف الدجی بجماله
حسنت جمیع خصاله * صلّوا علیه و آله (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۹)

نعت سرایی در مدح و ثنای حضرت پیغمبر اکرم(ص) از همان تاریخ تا زمان حاضر در شاعران مسلمان در زبان‌های گوناگون جهان به وژه زبان فارسی، عربی، اردو و بنگلا رواج داشته است. نذرالاسلام نیز شاعری است که در ردیف آنان محسوب می‌شود.

۷. نعت رسول(ص) در ترانه‌های اسلامی قاضی نذرالاسلام

«یکی از مشخصات نذرالاسلام این است که وی نغمه‌سرایی را در ادبیات بنگلا به مقام اوج رسانید و در این زمینه هنوز هیچ‌کس حتی رابیندرانات تاگور هم نتوانسته به مقام او برسد» (حسن، ۲۰۱۵: ۵۴). وی خودش هم مدعی برتری خود در نغمه‌سرایی بود (گوسوامی، ۱۹۹۰). گفته می‌شود که قاضی نذرالاسلام به تشویق و خواستهٔ شاگرد و دوستش، عباس‌الدین احمد، مشهورترین آوازخوان بومی بنگلا، به تألیف سرود اسلامی

همّت گماشت و بلافاصله از طرف همه اقشار جامعه مورد تحسین و ستایش فوق‌العاده قرار گرفت (اسدالحق، ۲۰۰۰). براساس کتاب عبدالمقیت چودوری *نذرالاسلام : اسلامی گان*، تعداد سرودهای اسلامی قاضی نذرالاسلام دویست و دو عدد است که هشتاد و نه عدد از آن‌ها نعت‌های وی می‌باشد که حاوی بیشتر از هزار بیت است. امّا بنا بر اطلاعات معتبر، شماره‌اش بیشتر از آمار مذکور است؛ چنانکه «اسدالحق محقق شاعر قاضی نذرالاسلام در آخر کتاب خود *اسلامی آیتجّی نذرول سنگیت* اولین مصراع‌های بیشتر از دویست و پنجاه عدد نغمات اسلامی قاضی نذرالاسلام را ذکر نموده که صد و هشت عدد از آن نعوت حضرت رسول (ص) است» (حسن، ۲۰۲۰: ۳۹). شایان ذکر است که در زمان قاضی نذرالاسلام، مسلمانان این سرزمین گمان می‌بردند که سرود و موسیقی کار هندوها می‌باشد و موسیقی در دین مبین اسلام ناروا است (اسدالحق، ۱۹۹۰). اما چون نذرالاسلام به سرودن نغمه‌های اسلامی پرمغز و نغز و معنوی خود پرداخت و آن‌ها را با آهنگ دل‌انگیز در مجالس و محافل دینی ارائه داد، جنبش جدیدی مثبت در جامعه اسلامی درآمد (احمد، ۱۹۹۹). سرودهای اسلامی‌اش به‌ویژه نعت‌های رسول(ص) وی بخشی مهم اشعار غنایی وی می‌باشد. مسلمانان این سرزمین درک کردند که اینچنین سرودها نه صرفاً جائز است، بلکه باعث کسب نیکی و پاداش هم می باشد. علتش این است که نعت‌ها بین مردم عامه عشق رسول(ص) را ایجاد و «به اتباع احکامات دین مبین اسلام تشویق و ترغیب می‌کند» (چودوری، ۲۰۰۰: ۱۳۱). از آن به بعد، شیوه تالیف نعت رسول(ص) در ادبیات بنگلا رایج گردید و هنوز هم ادامه دارد.

۸. بحث و یافته‌ها

۸-۱. مضامین نعت‌های رسول(ص) قاضی نذرالاسلام

قاضی نذرالاسلام نعت‌های رسول(ص) خود را به صورت ترانه‌های آهنگین موزون و مقفّی سروده است که بهترین نمونه‌های اشعار وی می‌باشد. نعت‌های او حاوی موضوعات گوناگون از وقایع زندگی آن حضرت(ص) و مدح و ستایش اوصاف وی می‌باشد. «این سرودها در جامعهٔ کنونی آن‌قدر معروف و مشهور است که بدون خواندن آن‌ها با آواز و آهنگ خوش چه دینی یا چه فرهنگی، هیچ محفل و جلسه‌ای رونق نمی‌یابد» (بیگی و

حسن، ۲۰۱۴: ۱۶۱). ما اینک از زاویهٔ موضوعات گوناگون، با مهم‌ترین نعت‌های او آشنا شویم:

۱-۱-۸. نعت در میلاد پیامبر(ص)

قاضی نذرالاسلام بسیاری از نعت‌های رسول(ص) خود درمورد میلاد آن حضرت سروده‌است. درباره چگونگی میلاد پیامبر و اینکه تمام مخلوقات خداوند متعال در مقدم او جشن‌هاگرفتند... که در نعتی چنین از قاضی نذرالاسلام جلوه یافته است:

تمام جهان در خواب عمیق خفته بود،
ناگهان شنیدم صدای اذان

از شنیدن آن صدای تکبیر، سر مست شد این دل و جان.

آمدم در بیرون و نگاه کردم، از روشنایی بهشتی

سرشار شده زمین و آسمان.

می‌گردند و می‌خوانند درود فرشتگان،
غلمانان و حوران در جنت.

چه کسی آمد؟! چه کسی آمد در این دنیا؟!

به خوشی و خشنودی تکان می‌خورد این دنیا

دوست توبه‌کاران، منجی گنهکاران

پناه خوف‌زدگان و غم‌دیدگان/ زبان بی‌زبانان، امید مأیوسان

مرهم درد غم‌ها، تسکین در سوگ و ماتم

چه کسی آمد در سپیده‌دم؟

ماه و خورشید و سیاره و ستارگان همه

নিখিল ঘুমে অচেতন
সহসা শুনিনু আজান
শুনি' সে তকবিরের ধ্বনি
আকুল হল মন-প্রাণ
বাহিরে হেরিনু আসি
বেহেশতী রৌশনীতে রে
ছেয়েছে জমিন ও আসমান
আনন্দে গাহিয়া ফেরে
ফেরেশ্‌তা হুর গেলেমান-
এলো কে, কে এলো ভুলোকে!
দুনিয়া দুলিয়া উঠিল পুলকে॥
তাপীর বন্ধু, পাপীর ত্রাতা,
ভয়-ভীত পীড়িতের শরণ-দাতা
মূকের ভাষা নিরাশার আশা,
ব্যথার শান্তি, সান্ত্বনা শোকে
এলো কে ভোরের আলোকে॥
চন্দ্র সূর্য্য গ্রহ তারকা সবে
ঝুঁকে পড়ে কুর্ণিশ করে নীরবে
হেরে আমিনার কোলে
খোদার সাথী দোলে। দোলে রে।
দরুদ পড় সবে : সাল্লে আলা,
মোহাম্মদ মোস্তফা সাল্লে আলা।
কেহ বলে, এলো মোর কমলিওয়ালা-
খোদার হাবীব কেহ কয় নিরালা
মোহাম্মদ মোস্তফা সাল্লে আলা।
কেহ বলে, আহমদ নাম মধু ঢালা-

یواشکی سرِ تعظیم خم می‌کنند
می‌بینند که در آغوش آمنه
دوست خدا(ص) تکان می‌خورد.
همه می‌خوانند درود "صل علی
صل علی محمد مصطفی"
یکی می‌گوید، آمده رداپوش ما
یکی به پنهانی می‌گوید، او حبیب خدا
است
صل علی محمد مصطفی
دیگری می‌گوید، نام احمد با عسل
آمیخته
صل علی محمد مصطفی
از مجنون هم دیوانه‌تر شدند همه
می‌رقصند و می‌خوانند از نشئهٔ آن نام
مبارک.

মোহাম্মদ মোস্তফা সাল্লে আলা।
মজনুঁরও চেয়ে হল দীওয়ানা সবে,
নাচে গায় নামের নেশায় ঝোঁকে॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۴۳، ۲۴۴
و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۴۶)

از نظر نذرالاسلام، نبی کودک مانند یک ماه سرخ است که در دریای نور الهی شستشو داده‌شده:

پس از شستشو دادن خود را در دریای
نور الهی
چه کسی آمد به مکّه در آغوش آمنه؟
چون ماه سرخ در آغوش آسمان
در شب بدر بهاری، تکان می‌خورد.
"چه کسی آمد، چه کسی آمد؟"
می‌خواند بلدرچین
پاپیا و بلبل نیز سر مست شدند
ستارگان به احترام او خم شدند
پریان و حوران به خوشی لبخند می‌زنند.
چون دروازه‌های بهشت‌ها امروز باز شده،

নূরের দরিয়ায় সিনান করিয়া
কে এলো মক্কায় আমিনার কোলে
ফাগুন-পূর্ণিমা-নিশীথে যেমন
আসমানের কোলে রাঙা চাঁদ দোলে॥
কে এলো কে এলো গাহে কোয়েলিয়া,
পাপিয়া বুলবুল্ উঠিল মাতিয়া,
গ্রহতারা ঝুঁকে করিছে কুর্নিশ
হুরপরী হেসে পড়িছে ঢ'লে॥
জান্নাতের আজ খোলা দরওয়াজা পেয়ে
ফেরেশতা আম্বিয়া এসেছে ধেঁয়ে
তাহরীমা বেঁধে ঘোরে দরুদ গেয়ে
দুনিয়া টলমল্, খোদার আরশ টলে॥

فرشتگان و پیغمبران دوان دوان (هوای دیدن او) می‌آیند
آنها به احترام او تحریمه بسته می‌چرخند و درود می‌خوانند
به خوشی آن دنیا می‌لرزد و عرش خدا هم تکان می‌خورد.
آمده آن خواستهٔ همگان، آمده آخرین پیامبر(ص)
سیّد مکّی و مدنی و العربی
نازل شده آن نبی کودک
و از لب‌هایی که (رنگش مثل) یاقوت است،
صدای پیام شهادت به زبان کودکانه بلند می‌شود.

এলো রে চির-চাওয়া এলো আখেরি নবী
সৈয়দে মক্কী মদনী আল-আরবি,
নাজেল হয়ে সে যে ইয়াকুত-রাঙা ঠোঁটে
শাহদতের বাণী আধো আধো বোলে॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۱۱۳)

شاعر می گوید که حضرت پیامبر گرامی(ص) حبیب خدا می باشد که ظلمتکده دل را روشن می‌کند. ازین رو به خاطر تشریف آوردنش در جوار کعبه، تمام مخلوقات به او احترام کردند:

نازل شد حبیب خدا در جوار آن کعبه، خانهٔ خدا
(به احترام وی) خم شدند عرش عظیم و کرسی مقدس؛
به زیارت او می آیند خورشید و ماه.
می‌شکنند آن بتخانه‌ها، تخت شیطانی لات و منات را
صدای تکبیر "لا اله الا الله" در آسمان بلند شده است.
بیا، بنگر! موج طوفان خوشی را در صحرا امروز بر سنگ کوه طور نوعروسان بهشتی شکوفه می‌شوند و می‌خندند.

খোদার হবিব হলেন নাজেল খোদার ঘর ঐ কাবার পাশে,
ঝুঁকে' প'ড়ে আর্শ কুর্শী, চাঁদ সুরয তাঁয় দেখতে আসে॥
ভেঙে পড়ে মূরত মন্দির, লা'ত মানাত, শয়তানী তখত,
লা-ইলাহা ইল্লাল্লাহ'র উঠিছে তকবীর আকাশে॥
খুশির মউজ তুফান তোরা দেখে যা মরুভূমে,
কোহ-ই-তূরের পাথরে আজ বেহশতী ফুল ফুটে' হাসে॥
য়্যোতিম-তারণ য়্যোতিম হয়ে এলো রে এই দুনিয়ায়,
য়্যোতিম মানুষ-জাতির ব্যথা নৈলে বুঝত না সে॥
সূর্য ওঠে, ওঠে রে চাঁদ, মনের আঁধার যায় না তায়,

آمده ایتام‌نواز به‌صورت یتیم در این جهان

ورنه درد یتیمان بنی آدم را نمی توانست درک نمایند.

خورشید و ماه طلوع می کنند، (اما) ظلمت دل از آن‌ها دور نمی‌شود.

لبخند می زند آن حضرت محمد (ص) که سپهر دل را روشن کرد.

در عوض نیکی خود، خواسته نجات برای همگان

بنگرا! با گفتن "امتی! امتی!" از دیده‌هایش اشک می‌ریزد.

হৃদ-গগন যে করল রওশন্, সেই মোহাম্মদ ঐ রে হাসে॥
আপন পুণ্যের বদলাতে যে মাগিল মুক্তি সবার,
উম্মতি উম্মতি ক'য়ে দেখ্ আঁখি তাঁর জলে ভাসে॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۶: ۲۷۷، ۲۷۸

و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۴۱)

شاعر آن حضرت (ص) را دوست همه عالم می‌داند. وی منجی گنهکاران است. بدین خاطر شاعر پس از تولد وی تمام مخلوقات را به دیدن پیامبر کودک صدا می‌کند:

دوست سه جهان[۱۰] حضرت محمد (ص) آمده در دنیا

ای دریا، آسمان و باد! گر می‌خواهی ببینی، رود بیا.

دنیای خاکی امروز بر بهشت برین غالب شد و شرمسار کرد

سیل خوشی امروز در صحرای عرب سرازیر شد.

بنگرا! در آغوش مادر آمنه، اسلام کودک دارد تکان می خورد

وی از دهان کوچکش پیام شهادتین ارشاد می‌فرماید.

ত্রিভুবনের প্রিয় মোহাম্মদ
এল রে দুনিয়ায়
আয় রে সাগর আকাশ বাতাস, দেখবি যদি আয়॥
ধূলির ধরা বেহেশতে আজ
জয় করিল, দিল রে লাজ,
আজকে খুশীর ঢল নেমেছে ধূসর সাহারায়॥
দেখ আমিনা মায়ের কোলে
দোলে শিশু ইসলাম দোলে,
কচি মুখের শাহাদাতের বাণী সে শোনায়॥
আজকে যত পাপী-তাপি
সব গুনাহের পেল মাফি,
দুনিয়া হতে বে-ইনসাফী, জুলুম নিল বিদায়॥
নিখিল দরুদ পড়ে ল'য়ে ওনাম,

---

۱۰. بالا، دنیا و اسفل

همه گنهکاران و توبه‌کاران امروز از گناهشان نجات یافتند

تمام بی‌انصافی و ظلم و ستم دنیا را الوداع گفت.

تمام جهان بر اسم وی درود می‌خواند صلی الله علیه و سلم

اجنّه، پریان و فرشتگان به وی سلام و صلوات می‌فرستند.

সাল্লাল্লাহু আলাইহি ওয়াসসাল্লাম
জীন-পরী ফেরেস্তা সালাম জানায় নবীর পায়॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۴۰، ۲۴۱)

احساسات صحرای عرب از خبر متولد شدن پیامبر گرامی(ص) چه گونه بود، در بیان آن شاعر سرود:

سر مست شد صحرای عرب

چون رسول خدا(ص) در این سرزمین نزول فرموده‌است.

آن حضرت شخصی است که بر نام و خیال او

تمام جهان دیوانه و در عشق او مستغرق شده.

آن حضرت کسی است که در امید و ناز تشریف‌فرمائی او

از درخت بی آبدار خرما نیز آب شیرین پیدا شد

در بیابان خشک هم رحمت خدا می‌بارید

و گوشواره هلال در گوشش، آسمان هم می‌خندد. کسی که این سه جهان (عالم بالا، زمین و اسفل) منتظر تشریف آوردن او بود

মরু সাহারা আজি মাতোয়ারা।
হলেন নাজেল তাহার দেশে খোদার রসুল—
যাঁহার নামে যাঁহার ধ্যানে
সারা দুনিয়া দীওয়ানা প্রেমে মশগুল॥

যাঁহার আসার আশাতে অনুরাগে
নীরস খর্জুর তরুতে রস জাগে,
তপ্ত মরু, 'পরে খোদার রহম ঝরে,
হাসে আকাশ পরিয়া চাঁদের দুল॥

ছিল ত্রিভুবন যাঁহার পথ চাহি,
এল রে সে নবী 'ইয়া উম্মাতি' গাহি'
যতেক গুমরাহে নিতে খোদার রাহে
এল ফুটাতে দুনিয়াতে ইসলামী ফুল॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۳۵، ۲۳۶)

آمده آن حضرت نبی (ص) با خواندن یـا *امتی!!*

کسانی را که گمراه بودند به راه خدا آورد

برای شکوفائی *گل اسلام*، آن حضـرت (ص) به دنیا آمد.

صورت کودک احمد(ص) در آغوش مادرش آمنه چطور بود و صورتش با چـه مخلوقـات خداوند شباهت دارد، در بیان شاعر چنین آمده‌است:

بیا و نگاه کن که در دامان آمنه کیست
بدری کامل در تلألؤ است
گویی که تلألؤ خورشید است در دامان صبح (سپیده‌دم)
در کائنات امروز
بانگی برخاسته: چه‌کسی آمده‌است؟
آمده‌است و شهادتین بر لب
آمده‌است و نور خدا بر پیشانی او شکفته
آمده‌است و آسمان و ستارگان به تعظیم سر فرود آورده
فرشتگان درهای بهشت گشوده
همه با هم درود می‌فرستند.
او که حق انسان‌ها را بدانها داد
او که اعلام کرد *لا اله الا الله* را
او که در زندگی دنیا فقر را برگزید
او که درویش و غنی را برابر کرد
اوست که تصویری بود در اندیشهٔ دردمندان
پیامبری که با همهٔ عظمت
خویش را با مردم می پنداشت
امروز تمامی عالم از شادی رهایی انسان به خروش آمده‌اند. (شاهدی، ۱۳۷۴: ۸۲)

তোরা দেখে যা আমিনা মায়ের কোলে
মধু পূর্ণিমারি সেথা চাঁদ দোলে
যেন ঊষার কোলে রাঙা-রবি দোলে॥
কূল মখলুকে আজি ধ্বনি ওঠে, কে এলো ঐ
কলেমা শাহাদাতের বাণী ঠোঁটে, কে এলা ঐ
খোদার জ্যোতি পেশানিতে ফোটে, কে এলো ঐ
আকাশ-গ্রহ-তারা পড়ে লুটে, কে এলা ঐ
পড়ে দরুদ ফেরেশ্‌তা,
বেহেশতে সব দুয়ার খুলে॥
মানুষে মানুষের অধিকার দিল যে-জন
'এক আল্লাহ্ ছাড়া প্রভু নাই' কহিল যে-জন,
মানুষের লাগি' চির-দীন বেশ ধরিল যে-জন
বাদশা ফকিরে এক শামিল করিল যে-জন
এলো ধরায় ধরা দিতে সেই সে নবী
ব্যথিত-মানবের ধ্যানের ছবি
আজি মাতিল বিশ্ব-নিখিল মুক্তি-কলরোলে॥
(نذرالاسلام، ۲۰۰۷: ۳۰۲، ۳۰۳)

نذرالاسلام می‌گوید، آن حضرت(ص) که به "القریشی" هم ملقّب شده، منجی همه عالم حتی پیامبران(ع) هم می‌باشد. او تازه به دنیا آمده، اما مژده‌اش در کتاب‌های قبلی هم وجود داشت:

امروز حضرت نبی عزیز *القریشی* (ص) دیده به جهان گشود.
صد هزار سلام بر قدم مبارک او نثار شد.
او کسی است که مژدهٔ تشریف آوردنش را دادند؛
موسی در تورات و عیسی در انجیل؛
او کسی است که خداوند متعال نامگذاری‌اش کرد.
آن احمد مرتضی(ص) امروز در عرب چشم گشود.
نور او بر پیشانی حضرت آدم(ع) بود.
به‌خاطر او بود که حضرت نوح(ع) از طوفان شدید نجات یافت.
آن حضرت بود که به نور او آتشکدهٔ نمرود به گلستان تبدیل شد.
آن محمد مصطفی(ص) آمده همراه با دین اسلام.
آمده نجات‌دهندهٔ کعبه، جان مساجد (جهان)
آن سفینهٔ شفاعت، منجی گنهکاران
از هر سو می‌شنوم اذان نام یزدان
جام رحمت خدا آمد به صورت نبی (در این جهان).

شاعر نبی نوزاده(ص) را به گلی رنگین تشبیه کرده که از بوی خوش آن آن تمام مخلوقات مست و مدهوش شده‌اند:

আজি আল কোরায়শী প্রিয় নবী এলেন ধরাধাম
তাঁর কদম মোবারকে লাখো হাজারো সালাম॥
তওরত ইঞ্জিলে মুসা ঈসা পয়গম্বর
বলেছিলেন আগাম যাঁহার আসারি খবর
রব্বুলে দায়ের যাঁহার দিয়েছিলেন নাম
সেই আহমদ মোর্তজা আজি এলেন আরব ধাম॥
আদমেরি পেশানিতে জ্যোতি ছিল যাঁর
যাঁর গুণে নূহ তরে গেল তুফান পাথার
যাঁর নূরে নমরুদের আগুন হলো ফুলহার
সেই মোহাম্মদ মুস্তাফা এলেন নিয়ে দীন-ইসলাম॥
এলেন কাবার মুক্তিদাতা মসজিদের প্রাণ,
শাফায়াতের তরী এলে পাপী তাপীর ত্রাণ
দিকে দিকে শুনি খোদার নামের আজান
নবীর রূপে এলো খোদার রহমতেরি জাম॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۶: ۲۱۵)

گلی رنگین و زیبا در صحرا شکفته است
که جهان مست و مدهوش از بوی خوش آن است
خورشید، ماه و ستارگان برای ربودن آن، از یکدیگر پیشی می‌گیرند.
آسمان کبود، از سر تعظیم بر آن گل بوسه می‌زند.
از درخشش آن، عرش و کرسی، روشن است
کائنات از آن رنگ گرفته و تابنده شده.
صدها پرنده به گلستان آن روی می‌آورند.
شاخساران، آرزومند در برگرفتن آنند.
جن و انس و حور و پری و فرشتگان، شیفتهٔ آنند.
پادشاه و درویش و فقیر گردنبندی از آن را به گردن خویش آرزو می‌کنند.
زنبور عسل و بلبل، نشانی آن را می‌شناسد.
جمعی آن را حضرت محمد(ص) می‌دانند.
و گروهی می‌گویند که آن *مزّمّل* است.
(شاهدی، ۱۳۷۴: ۸۰)

সাহারাতে ফুটল রে রঙিন গুলে-লালা।
সেই ফুলেরই খোশবুতে আজ দুনিয়া মাতোয়ালা॥
সে ফুল নিয়ে কাড়াকাড়ি চাঁদ সুরুয গ্রহ তারায়,
ঝুঁকে পড়ে চুমে সে ফুল নীল গগন নিরালা॥
সেই ফুলেরই রওশনিতে আরশ কুরসি রওশন,
সেই ফুলেরই রং লেগে আজ ত্রিভুবন উজালা॥
সেই ফুলেরই গুলিস্তানে আসে লাখো পাখি,
সে ফুলেরে ধরতে বুকে দুলে রে ডাল-পালা॥
চাহে সে ফুল জিন ও ইনসান হুর পরি ফেরেশতায়,
ফকির দরবেশ বাদশা চাহে করতে গলে মালা॥
চেনে রসিক ভোমরা বুলবুল সেই ফুলের ঠিকানা,
কেউ বলে হজরত মোহাম্মদ কেউ বা কমলিওয়ালা॥
(نذرالاسلام، ۲۰۰۷: ۲۹۵ و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۳۸)

۲-۱-۸. نعت در بیان آه و زاری مادر آمنه:

پس از سپردن فرزند خود حضرت پیامبر(ص)، شاعر وصف اینکه مادرش، آمنه، در غم فراق فرزند چگونه می سوخت را از زبان مادر، چنین آورده است:

برو‌ید همین الآن پیش حلیمه با شیرینی و شیر و کره!
من در رؤیا دیدم که نور چشمم می‌نالد زاری کنان: مادر! مادر!
از زمانی که کودک احمد را در ناله و زاری به دست حلیمه سپردم
روزها و شب‌هایم می‌گذرد با آه و زاری.
آن کودک یتیم که محروم شد از لطف و نوازش مادر
نمی‌توانم درون خانه بمانم در حالی که او از آغوش من دور است.
آیا، جگر پاره ام به یاد مادر خود آمنه هنوز گریه می‌کند؟
بگویید که در انتظار بازگشتنش روز و شب گریه و زاری می‌کنم.

তোরা যারে এখনি হালিমার কাছে লয়ে
ক্ষীর সর ননী
আমি খোয়াবে দেখেছি কাঁদিছে মা বলে
আমার নয়ন-মণি॥
মোর শিশু আহমদে যেদিন কাঁদিয়া
হালিমার হাতে দিয়াছি সঁপিয়া
সেই দিন হ'তে কেঁদে কেঁদে মোর
কাটিছে দিন রজনী॥
পিতৃহীন সে সন্তান হায়
বঞ্চিত মা'র স্নেহে
তারে ফেলে দূরে কোল খালি করে
(আমি) থাকিতে পারি না গেহে।
অভাগিনী তার মা আমিনায়
মনে করে সে কি আজো কাঁদে, হায়!
বলিস তাহারি আসার আশায়
দিবানিশি দিন গণি॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۹۷، ۹۸)

۳-۱-۸. نعت حضرت حلیمه در جواب آه‌وزاری آمنه

حضرت حلیمه که مادر شیری آن حضرت(ص) می باشد، در جواب آه وزاری مادر آمنه چیزی که گفت، از زبان نذرالاسلام چنین است:

ای آمنه! چون پسرت را آورده‌ام، از ترس و خوف می‌لرزم.
این انسان نیست، شاید فرشته‌ای به‌صورت انسان آمده‌است.
هنگام شب، چون بر سینه‌ام می‌خوابد ماه می‌آید و او را می‌بوسد،

ওগো আমিনা! তোমার দুলালে আনিয়া
আমি ভয়ে ভয়ে মরি।
এ নহে মানুষ, বুঝি ফেরেশতা
আসিয়াছে রূপ ধরি॥
সে নিশীথে যখন বক্ষে ঘুমায়
চাঁদ এসে তাঁয় চুমু খেয়ে যায়,
দিনে যবে মেঘ-চারণে সে যায়
মেঘ চলে ছায়া করি।

هنگام روز چون به گله‌بانی می‌رود
ابر آسمان سایبان او می‌شود.
گمان می‌کنم در دل شب حوران و فرشتگان زیاد
یواشکی می‌آیند و بر قدم کودکش بوسه می‌دهد.
چون او بر صحرا قدم می‌زند،
گل رزهای بصره شکوفه می‌شوند،
پروانه‌ها در گلستان دور قدم‌هایش
ناله‌کنان ترنّم می‌خوانند.

সাথে সাথে তার মেঘ চলে ছায়া করি॥
মনে হয় যেন লুকাইয়া রাতে তোমার শিশুর পায়
কত ফেরেশতা হুরপরি এসে সালাম করিয়া যায়॥
সে চলে চায় যবে মরুর উপরে,
বসরা গোলাপ ফোটে থরে থরে,
তার চরণ ঘিরিয়া কাঁদে গুলবনে
অলিকুল গুঞ্জরি॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۹۵)

۴-۱-۸. نعت در بیان گله‌بانی پیامبر نوجوان(ص)

هنگام نوجوانی که آن حضرت(ص) در خانهٔ حلیمه به سر می‌برد، به گله‌بانی هم می‌رفت. در بیان آن گله‌بانی، نذرالاسلام در نعتی سرود:

حضرت نبی نوجوان(ص) به‌صورت چوپان می‌رود به گله‌بانی
با بستن موی شانه کرده با دستمال آبی ابریشمی.
زیر قدم سرخ او، دنیا از خوشحالی تکان می‌خورد
سیل حسن و زیبایی او در بیابان و صحرا سرازیر شود.
برّه‌ها خوردن علف را فراموش کرده به‌صورتش نگاه می‌کند
چون شاهنشاه جهان (پیامبر) امروز گرد و خاک چراگاه را بر تنش می‌مالد
هزاران هلال پیش ناخن‌های قدمش ناله

মেষ চারণে যায় নবী কিশোর রাখাল-বেশে
নীল রেশমি রুমাল বেঁধে তার চারু-চাঁচর কেশে।
তাঁর রাঙা পদতলে পুলকে ধরা টলে
তাঁর রূপ-লাবনির ঢলে মরুভূমি গেল ভেসে॥
তাঁর মুখে রহে চাহি মেষ-শিশু তৃণ ভুলি'.
বিশ্বের শাহানশাহ আজ মাথে গোঠের ধূলি,
তাঁর চরণ-নখরে কোটি চাঁদ কেঁদে মরে
তাঁর ছায়া ক'রে চলে আকাশে মেঘ এসে॥
কিশোর নবী গোঠে চলে–
তাঁর চরণ-ছোঁয়ায় পথের পাথর
মোম হয়ে যায় গ'লে
তসলিম জানায় পাহাড়
চরণে ঝুঁকে তাঁহার।
নারঙ্গী আঙুর খর্জুর পায়ে নজরানা দেয় হেসে॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۲۰)

کنان می‌افتند

ابرهای آسمان می‌آیند و بر سرش سایه می‌دهند.

چون نبی نوجوان(ص) به چراگاه می‌رود،

از لمس قدم مبارکش سنگ‌های راه

همچو موم ذوب می شوند.

خم شده عرض سلام می‌نمایند کوه‌ها

و بر قدم مبارک او نارنجی، انگور و خرما

نذر تبسم به پای او نثار می کنند.

۵-۱-۸. نعت در بیان وضعیت رسول خدا(ص) پس از واقعه مبعث

قاضی نذرالاسلام در بیان وضعیت حضرت پیامبر گرامی(ص) پس از واقع شدن مبعث در غار حرا، چنین نعتی را سرود:

از غار حرا چه کسی می‌آید که می‌خرامد

یک نور مجسّم؟

پرده‌های اسرار دنیا دارد مکشوف می گردد

وی رداپوش(ص) من، وی ردا وش من.

زیر قدم سرخ و لرزان وی (که از عشق خدا)

سر مست شده

کوه و جنگل (می‌رقصند و) می‌لرزند

خرما و بادام و گل زعفران

(به قدم او) دائماً می‌لرزد.

ابر آسمان می‌رود برای دادن سایه به او

اشک کوه ذوب می‌شود در آب آبشار

آذرخش می‌خواهد گردنبند آنحضرت (ص) شود

হেরা হতে হেলে দুলে
নূরানী তনু ও কে আসে, হায়!
সারা দুনিয়ার হেরেমের পর্দা
খুলে খুলে যায়-
সে যে আমার কমলিওয়ালা-কমলিওয়ালা॥
তার ভাবে বিভোল রাঙা পায়ের তলে
পর্বত জঙ্গম টলমল টলে,
খোরমা খেজুর বাদাম জাফরানি ফুল
ঝ'রে ঝ'রে যায়-
সে যে আমার কমলিওয়ালা-কমলিওয়ালা॥
আসমানে মেঘ চলে ছায়া দিতে,
পাহাড়ের আঁসু গলে ঝরনার পানিতে,
বিজলি চায় মালা হতে,
পূর্ণিমার চাঁদ তার মুকুট হতে চায়॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۹۱)

و بدر کامل می‌خواهد تاج سر وی شود
وی رداپوش من، وی رداپوش من.

۶-۱-۸. نعت سوداگر جدید که با سودای اسلام آمده:

از نظر شاعر حضرت پیامبر(ص) بازرگان جدیدی است که با سودای اسلام آمده‌است که بسیار مفید و سودمند اما قیمتش بسیار ارزان است:

سوداگر جدید آمده با سودای *اسلام*
بیایید! ای بد نصیبان و گنهکاران! خرید کنید! از این سودا!
در طول عمرت خسارت برداشتی در تجارت، امروز حسابش به جای آر،
امّا این سوداگر جدید نظر هدیه جنّت ارمغان آورد رایگان.
کشتی قرآن پر از الماس و مروارید و زمرّد است
جمع کن و زود بگیر، پر کن از آن خانهٔ خالی‌ات.
این بازرگان در بهای *کلمهٔ توحید* که خیلی آسان است
ثروت گرانبهای شفاعت را عطا کند، چه کسانی هستید؟ بیا، بگیر! زود بیا.
در بازار روز قیامت اگر کسی می‌خواهد سود زیادی به دست آورد،
خریدار از این بازرگان باش، مُهرش را بگیر.
از عرش برین راه غم کرده فرود آمده در شهر مدینه
نام مبارکش محمد و سرمایه‌اش *الله اکبر* است.

ইসলামের ঐ সওদা লয়ে এল নবীন সওদাগর।
বদনসীব আয়, আয় গুনাহগার নতুন ক'রে সওদা কর॥
জীবন ভরে করলি লোকসান আজ হিসাব তার খতিয়ে নে,
বিনি মুলে দেয় বিলিয়ে সে যে বেহেশতি নজর॥

কোরানের ঐ জাহাজ বোঝাই হীরা মুক্তা পান্নাতে,
লুটে নে রে লুটে নে সব ভরে তোল তোর শূন্য ঘর॥
কালেমার ঐ কানাকড়ির বদলে দেয় এই বনিক শাফায়াতের সাত রাজার ধন, কে নিবি আয় ত্বরা কর॥
কিয়ামতের বাজারে ভাই মুনাফা যে চাও বহুৎ,
এই ব্যাপারীর হও খরিদ্দার লও রে ইহার সীলমোহর॥
আরশ হ'তে পথ ভুলে এ এল মদীনা শহর,
নামে মোবারক মোহাম্মদ, পুঁজি আল্লাহু আকবর॥

(نذرالاسلام، ۲۰۰۷: ۲۹۷، ۲۹۸ و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۴۰)

۸-۱-۷. نعت در ستایش ساقی عربی که شراب اسلام را نوشانیده:

شاعر حضرت نبی(ص) را «ساقی العربی» خوانده که سراب اسلام را به همه نوشانیده و تما عالم را از عشق الهی مست و مدهوش کرده:

این چه شراب شیرین به من دادی، ای ساقی العربی؟!
از نشئهٔ آن مست شدم و دیده‌هایم شد رنگین.
بادهٔ توحید در دست گرفته همه را صدا کردی که: بیا، بنوش!
تمام عالم آمد دوان دوان، هیچ کس باقی نماند.
محفل تو برپا شد در دیار دور مکّه و مدینه
تو خواندی قرآن غزل‌گونه موقع شب قدر.
مرد و زن، شاه و گدا از جلوهٔ تو سر مست شد
هرچه داشتند به قدم سرخ تو نذر دادند.
پیک تو با خبر توحید دوید به هر سو
اخبار فتوحات تو در هر کشور نگاشته شد.
لذا به جلسهٔ لاشریک همه رسیدند و شرکت نمودند
ترانهٔ اذان تو را
خواندند هزاران بلال.

এ কোন্ মধুর শরাব দিলে আল আরাবি সাকি,
নেশায় হলাম দিওয়ানা যে রঙিন হল আঁখি॥
তৌহিদের শিরাজি নিয়ে
ডাকলে সবায় যারে পিয়ে,
নিখিল জগৎ ছুটে এলো
রইল না কেউ বাকি॥
বসলো তোমার মহফিল দূর মক্কা মদিনাতে,
আল্-কোরানের গাইলে গজল শবে কদর রাতে।
নর-নারী বাদশা-ফকির
তোমার রূপে হয়ে অধীর
যা ছিল নজরানা দিল
রাঙা পায়ে রাখি'॥
তোমার কাসেদ খবর নিয়ে ছুটল দিকে দিকে,
তোমার বিজয়-বার্তা গেল দেশে দেশে লিখে।
লা-শারীকের জলসাতে তাই
শরীক হল এসে সবাই,
তোমার আজান-গান শুনাল
হাজার বেলাল ডাকি'॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۳۸ و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۵۶)

۸-۱-۸. نعت در بیان واقعه معراج رسول(ص):

در شب معراج، هنگامی که حضرت پیامبر گرامی(ص) به دیدار الهی به عرش عظیم تشریف برد، وضعیت اهل آسمان چطور بود، در بیان آن فضا شاعر نذرالاسلام سرود:

«می‌آید حبیب خد» لذا در عرش برین به پا شد شور و هیجان

ماه با تشنگی دوان دوان می‌آید چون چاکور[11] به سوی آسمان.

پرنده کوکیل[12] چون می‌خواند نغمه با مشاهدهٔ آغاز بهار،

تمام فرشتگان خوشدل به‌خوشی شروع به خواندن کردند:

ببین! امروز به عرش تشریف می‌آورد حضرت نبی رداپوش(ص) ما.

نگاه کن! امروز ماه و خورشید هم به‌خوشی آن، روشن‌تر شده‌اند.

آن کس که صوفیان و درویشان و اولیای خدا هم

نمی‌توانند رازش را درک کنند از راه سیر و سلوک،

صرفاً خداوند متعال می‌تواند اسرار او را کشف نماید.

او کسی است که اگر کسی نامش را فقط یکبار بر زبان آورد،

حرام گردد تا ابد دوزخ بر او./ او کسی است که جام حوض کوثر را

در دست دارد برای گنهکاران.

اگر حرف میم از نامش حذف گردد، می‌ماند "احد"

نامش مخلوط با شهد شیرین است.

---

১১. মুরগ বারান‌খোয়াহ

১২. বেহতরিন পরিন্দাহ আওয়াজখোয়ান বাংলাদেশ

আসিছেন হাবীবে খোদা, আরশ পাকে তাই উঠেছে শোর,
চাঁদ পিয়াসে ছুটে' আসে আকাশ- পানে যেমন চকোর,
কোকিল যেমন গেয়ে উঠে ফাগুন আসার আভাস পেয়ে,
তেমনি করে হরষিত ফেরেশতা সব উঠলো গেয়ে-
দেখ আজ আরশে আসেন মোদের নবী কামলীওয়ালা
হের সেই খুশীতে চাঁদ- সুরুজ আজ হল দ্বিগুণ আলা॥

ফকির দরবেশ আউলিয়া যাঁরে
ধ্যানে জ্ঞানে ধরতে নারে,
যাঁর মহিমা বুঝতে পারে
এক সে আল্লাহ তা'লা॥

বারেক মুখে নিলে যাঁহার নাম
চিরতরে হয় দোযখ হারাম,
পাপীর তরে দস্তে যাঁহার
কাওসারের পেয়ালা॥

মিম হরফ না থাকলে যে আহাদ
নামে মাখা যার শিরীন শহদ,
নিখিল প্রেমাস্পদ আমার মোহাম্মদ
ত্রিভুবন উজালা॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۲۷، ۲۲۸)

محمّدم معشوق جهان است،
او نور دنیا و آخرت است.

۹-۱-۸. ستایش اسم مبارک حضرت رسول(ص) و آرزوی ورد آن:

قاضی نذرالاسلام عاشق پیامبر گرامی(ص) نعت‌های زیاد در مدح و ستایش اسم شریف و پاک آن حضرت(ص) سروده است که بنا به گفتهٔ قبل، مقاله‌ای به این عنوان توسط بنده نوشته شده‌است. بدین سبب اینک ذکر دو نمونه از آن نعت‌ها را به شرح زیر اکتفا می‌دانم:

«محمد(ص) مردمک دیدهٔ من است/ نام محمد تسبیح من است،

از آن نام مبارک تشنگی‌ام را دور می‌کنم
آن نام مبارک پیالهٔ حوض کوثر من است.
نام محمد بر سر من است
نام محمد گردنبند من است
از روشنایی آن نام،
ظلمت‌کدهٔ دل من منوّر می شود.
مدینه ای که در دلم قرار گرفته،
می‌شنوم آن نام در شب و روز.
تسبیح ان نام مبارک در دست من است،
آن نام مانند گل لاله در صحرای جان من است.
محمد اشک دیدهٔ من است
او همدرد من و آسایش روحم در سوگ و اندوه است.
آرزوی بهشت را ندارم
اگر بتوانم همواره آن نام را ورد کنم.»

মোহাম্মদ মোর নয়ন-মণি
মোহাম্মদ মোর জপ-মালা।
ওই নামে মিটাই পিপাসা
ও নাম কওসারেরপিয়ালা॥
মোহাম্মদ নাম শিরে ধরি
মোহাম্মদ নাম গলায় পরি,
ওই নামেরই রওশনিতে
আঁধার এ মন রয় উজালা॥
আমার হৃদয়-মদিনাতে
শুনি ও নাম দিনে রাতে
ও নাম আমার তসবীহ হাতে
মন-মরুতে গুলে-লালা॥
মোহাম্মদ মোর অশ্রু চোখের
ব্যথার সাথি, শান্তি শোকের
চাই না বেহেশ্‌ত, যদি ও নাম
জপতে সদাই পাই নিরালা॥

(حسن، ۲۰۲۰: ۴۱، ۴۲)
و (نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۱۱۶، ۱۱۷)

شاعر نذرالاسلام در این نعت حضرت محمد(ص) را مردمک چشم خود می‌داند و آرزومند ورود بهشت نیست، بلکه ذکر نام او است که بیانگر عشق واقعی شاعر به آن حضرت(ص) می‌باشد.

در نعت دیگر شاعر می‌گوید که نام مبارک حضرت محمد(ص) راهنمای توحید برای اوست:

«نام محمد(ص) راهنمای توحید برای من است
نام محمد مرشد من است.
از ورد آن نام، راز کلام خدا به ما آشکار شود.
نام محمد مرشد من است.
با دست گرفتن ریسمان آن نام، به سوی خدا می‌رویم
با سوار شدن در سفینهٔ آن نام، در موج نور خدا شناور می‌شویم
با افروختن چراغ آن نام، لوح و عرش برین را می‌بینیم
نام محمد مرشد من است.
چون دامن آن نام را با دست گرفتم، پس مرا باکی نیست،
ما به‌پاس آن نام مبارک، با خدا هم آشنا خواهیم شد.
قدم مبارک آن حضرت(ص) وسیله‌ام برای بهشت رسیدن است.
نام محمد مرشد من است» (حسن، ۲۰۲۰: ۴۱).

তৌহিদের মুর্শিদ আমার মোহাম্মদের নাম,
মুর্শিদ মোহাম্মদের নাম।
ঐ নাম জপিলেই বুঝতে পারি খোদাই কালাম,
মুর্শিদ মোহাম্মদের নাম॥
ঐ নামেরই রশি ধ'রে যাই আল্লার পথে,
ঐ নামেরই ভেলায় চ'ড়ে ভাসি নূরের স্রোতে,
ঐ নামের বাতি জ্বেলে দেখি আরশের মোকাম
মুর্শিদ মোহাম্মদের নাম॥
ঐ নামের দামন ধ'রে আছি আমার কিসের ভয়
ঐ নামের গুণে পাব আমি খোদার পরিচয়।
তাঁর কদম মোবারক যে আমার বেহেশতি তাঞ্জাম
মুর্শিদ মোহাম্মদের নাম॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۹۸)

۱۰-۱-۸. نعت در اکتشاف راز نام آن حضرت احمد(ص):

از نظر شاعر، درون کلمه احمد که نام رسول خدا(ص) می باشد، نام خداوند احد پنهان است:

پردهٔ آن میم "احمد" را
به کنار زن و ببین ای دل
اهل دل می‌بینند که
در آنجا "احد" موجود است.
هر کسی که با آن آشنا می‌شود او در خانه نمی ماند،
آواره می شود،
همه چیز را ترک می‌گوید
و در خیالش می‌ماند پرستش قدم آن حضرت.
منصور حلاج چون آن صورت را دید،/ دیوانه شد؛
و ذکر انا الحق را برای ابد اختیار کرد.
و جان خود را فدایش کرد./ اگر با خود آشنا شوی، با خدا هم آشنا شوی/ بر ائینه روح خود (با دقت نگاه کن)
ببینی که (این آئینه) از آن نور[۱۳] روشن است.

আহ্‌মদের ওই মিমের পর্দা
উঠিয়ে দেখ মন।
আহাদ সেথায় বিরাজ করেন
হেরে গুণীজন॥
যে চিনতে পারে রয় না ঘরে
হয় সে উদাসী
সে সকল ত্যজি ভজে শুধু
নবিজির চরণ॥
ওই রূপ দেখে রে পাগল হল
মনসুর হল্লাজ
সে 'আনালহক''আনালহক' বলে
ত্যজিল জীবন॥
তুই খোদকে যদি চিনতে পারিস
চিনবি খোদাকে,
তোর রুহানী আয়নাতে দেখরে
সেই নূরী রওশন॥

(نذرالاسلام، ۲۰۰۷: ۳۰۰)

۱۱-۱-۸. رسول(ص) از خدا هم محبوبتر است:

چون خداوند در عرش برین که بالای هفت آسمان است قرار دارد، وی در دسترس هیچ‌کس نیست. اما پیامبر گرامی(ص) در این زمین موجود و همیشه نزدیک جان ما است. شاعر نذرالاسلام می گوید، از این زاویه حضرت رسول‌الله(ص) از خدا هم نردیکتر و محبوب‌تر است:

---

۱۳. نور محمد

خدا بر عرش برین است
(امّا) آن حضرت(ص) نزد جان (ما) است
آن محبوب که نزد جان است/ جان (ما)
جویان آن حضرت است.
پیغمبران هم (بار) خداوند را نمی‌یابند
(اما) نبی‌ام(ص) را همه می‌یابند[۱۴]
آن حضرت(ص) حرزم گشت
و بر سینه‌ام قرار گرفت
به نام خداوند سجده می کنیم
و نبی‌مان را دوست داریم،
خدا چون خورشید نور/ و نبی‌ام چون تبسّم ماه.
برای قربت نبی‌ام
نیازی به رفتن کوه و جنگل نیست،
صوفییان و دربیشان بیهوده
در شعلهٔ آتش (فراق) خدا می سوزند.

আল্লাহ থাকেন দূর আরশে-
নবীজী রয় প্রাণের কাছে।
প্রাণের কাছে রয় যে প্রিয়,
সেই নবীরে পরাণ যাচে॥
পয়গম্বরও পায় না খোদায়,
মোর নবীরে সকলে পায়,
নবিজি মোর তাবিজ হ'য়ে
আমার বুকে জড়িয়ে আছে॥
খোদার নামে সেজদা করি,
নবীরে মোর ভালোবাসি,
খোদা যেন নূরের সুরয,
নবী যেন চাঁদের হাসি॥
নবীরে মোর কাছে পেতে
হয় না পাহাড়- বনে যেতে,
বৃথা ফকির-দরবেশ মরে
পুড়ে খোদার আগুন-আঁচে॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۲۷)

۱۲-۱-۸. از راه عشق پیامبر گرامی، قربت الهی هم حاصل می‌شود.

از نظر شاعر، عشق آن حضرت(ص) وسیلهٔ قربت الهی می باشد. نام محمد ریسمانی است که به خدا رهنمون می شود:

هر کسی که خواستار الهی بوسیلهٔ عشق
آن حضرت(ص) شده،
(بی شک) عرش، کرسی، لوح و قلم بدون
خواستن از آن او شده.
برای قربت الهی، در دست بگیر ریسمان
نام محمد را،

আল্লাহকে যে পাইতে চায় হযরতকে
ভালোবেসে -
আরশ কুরসী লওহ কলম না চাইতেই পেয়েছে
সে॥
রাসূল নামের রশি ধরে যেতে হবে খোদার ঘরে
নদী তরঙ্গে যে পড়েছে ভাই
দরিয়াতে সে আপনি মেশে॥
তর্ক করে দু:খ ছাড়া কী পেয়েছিস অবিশ্বাসী

۱۴ . خداوند دسترس پیغمبران هم نیست، امّا آن حضرت(ص) دسترس هرکس است

(چون) کسی که در موج رود افتاده،
خود بخود می‌رسد به دریا.
در نتیجهٔ بحث و مجادله، چه حاصل شد
ای بی‌ایمان؟!
فقط یکبار ببین چه حاصل می‌شود توسط
عاشق شدن آن حضرت(ص).
هرشب و روز این دنیا موقع عید گردد
برای تو،
هر چه می‌خواهی بیابی آنجا، اگر احمد با
تبسّم نگاهت کند.

কি পাওয়া যায় দেখ না বারেক হযরতে মোর
ভালবাসি॥
এই দুনিয়ায় দিবা-রাতি,
ঈদ হবে তোর নিত্য সাথী
তুই যা চাস তাই পাবি হেথায়,
আহমদ কন যদি হেসে॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۳۶، ۲۳۷)

۱۳-۱-۸. آن حضرت(ص) منجی امّت است:

شاعر مطمئن است که آن حضرت(ص) که دارای مهر نبوّت می‌باشد، برای نجات دادن امّتش به جهان تشریف آورده‌است:

دارای مهر نبوت ای حضرت(ص) عزیز!
به دنیا آمدی برای نجات امّتت
ای محمد مصطفی و احمد مجتبی (ص)!
اشک می‌ریزد از دیدگان از ذکر نامت.
تو در زبان تکبیر و در سینه توحید
بخشیدی،
در تسکین درد و غم، باعث سرور عید
سعید را هم بخشیدی،
در جان و دل ما ایمان و در دست ما قرآن
بخشیدی،
شناخت من *مسلمان* را چون تاج شاهی
بر سرم گذاشتی،
در دل آسایش بخشیدی،
توکّل بر خدای یگانه را هم
در مصائب بخشیدی،

প্রিয় মুহরে-নবুয়ত-ধারী হে হজরত
তারিতে উম্মত এলে ধরায়।
মোহাম্মদ মোস্তফা, আহমদ মুজতবা-
নাম জপিতে নয়নে আঁসু ঝরায়॥
দিলে মুখে তকবীর, দিলে বুকে তৌহিদ,
দিলে দুঃখের সান্ত্বনা খুশির ঈদ:
দিলে প্রাণে ঈমান, দিলে হাতে কোরআন,
দিলে শিরে শিরতাজ নাম মুসলিম আমায়॥
দিলে দীলে দীলাশা, বিপদে ভরসা
এক সে খোদার;
যত পাপী-তাপীরে ধরি' পুণ্য বুকে
করিলে বেড়া পার
তব সব নসিহত মোরা গিয়েছি ভুলে।
শুধু নাম তব আছে জেগে প্রাণের কূলে;
ও-নামে এ প্রাণ-সিন্ধু দোলে
আমি ঐ নামে ত'রে যাব, আছি আশায়॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۴۴ و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۴۷)

همه توبه‌کاران و گنهکاران را در سینه گرفتی
و از بند خطر نجات بخشیدی.
همه پند و نصیحت تو را فراموش کردیم.
فقط اسمت باقی مانده در گوشهٔ دل و جان؛
به آن نام، تلاطم در دریای این جان
امیدوارم که بوسیلهٔ آن نام نجات خواهم یافت.

۱۴-۱-۸. آرزوی زیارت روضهٔ مبارک آنحضرت(ص):

شاعر همواره رؤیای زیارت روضه مبارک حضرت رسول(ص) را می‌بیند. امّا چون عربستان خیلی دور است و خودش هم در حالات فقیری گرفتار شده، رؤیای او هم به ظهور نمی‌پیوندد. وی امید و آرزوی زیارت روضهٔ اقدس آن حضرت خود را چنین بیان نموده‌است:

آن رؤیای عرب دور دست را می بینم از کلبهٔ بنگلادش
که می‌روم به هوای دید کعبه مستانه و زاری کنان.
ای خدا! چرا مرا
فرستادی به‌صورت یک مرد فقیر،
که نمی‌توانم بروم به زیارت مرقد آن حضرت (ص)؟
هر شب در رؤیا می‌بینم که چون از منارهٔ (مسجد) کعبه
حضرت بلال گریه‌کنان مسلمانان خفتهٔ جهان را صدا می زند.
یا الهی! بگو که چه روز
رؤیای من به ظهور خواهد پیوست؟

দূর আরবের স্বপন দেখি বাঙলা দেশের কুটির হতে।
বেহোঁশ হ'য়ে চলেছি যেন কেঁদে কেঁদে কাবার পথে॥
হায় গো খোদা, কেন মোরে
পাঠাইলে কাঙাল ক'রে,
যেতে নারি প্রিয় নবীর মাজার শরিফ জিয়ারতে॥
স্বপ্নে শুনি নিতুই রাতে যেন কা'বার মিনার থেকে
কাঁদছে বেলাল ঘুমন্ত সব মুসলিমেরে ডেকে' ডেকে'।
য়্যা এলাহি! বল সে কবে
আমার স্বপন সফল হ'বে,
(আমি)গরীব ব'লে হব কি নিরাশ
মদিনা দেখার নিয়ামতে॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۱۰۸)

آیا، من که بی‌سروسامانم،
از نعمت زیارت مدینه محروم خواهم شد؟

همچنین به نسیم هم آرزوی دل را بیان می‌کند و از او هم مساعدت می‌خواهد:

ای نسیمی که از جانب صحرا می‌وزی
مرا با خود به مدینه ببر
آنجا که روضه مبارک ذات پاک
مصطفی(ص) است
من بر زمین مشرق افتاده‌ام و هزاران
اندوه و غم همراه من است.
و همیشه در فکر و خیال آن هستم که
چه وقت
نماز مغرب را در خانهٔ کعبه خواهم خواند.
مسکین و تهی‌دست هستم و نام آن
حضرت(ص) را تسبیح می‌کنم.
و بدانجا می‌روم که نخستین بانگ اسلام
سرزده‌است.
قبر پیامبر را در بغل خواهم گرفت و
خواهم گریست.
و خوش فرا خواهم داد.
شاید از زبان پیامبر (ص) بانگ *یا امتی*
برخیزد.
شاید هنوز هم آنجا از کلام قرآن
آکنده‌باشد. (شاهدی، ۱۳۷۴: ۸۶)

আয় মরু-পারের হাওয়া, নিয়ে যা রে মদিনায়।
জাত পাক মোস্তফার রওজা মোবারক যথায়॥
পড়িয়া আজি দুখে মুশরেকী এই মুল্লুকে,
পড়ব মগরেবের নামাজ কবে খানায়ে-কাবায়॥
হজরতের নাম তসবি ক'রে, যাব রে মিসকিন বেশে,
ইসলামেরই দীন-ই-ডঙ্কা বাজল প্রথম যে দেশে॥
কাঁদব মাজার-শরিফ ধরে', শুনব সেথায় কান পাতি',
হয়তো সেথা নবির মুখে রব ওঠে 'য়্যা উম্মতি'!
আজও কোরআনের কালাম হয়তো সেথা শোনা যায়॥

(نذرالاسلام، ۲۰۰۷: ۳۰۱، ۳۰۲
و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۶۶)

و همچنین:

من مسافر راه مکه و مدینه هستم که
خیلی دور می‌باشد،
روضهٔ مبارک آنحضرت(ص) دل عزیز من
در آن‌جا واقع می‌باشد.

সুদূর মক্কা মদিনার পথে আমি রাহি মুসাফির,
বিরাজে রওজা মোবারক যথা মোর প্রিয় নবীজীর॥
বাতাসে যেথানে বাজে অবিরাম
তৌহিদ বাণী খোদার কালাম,
জিয়ারতে যথা আসে ফেরেশতা শত আউলিয়া

از آن روضهٔ حضرت(ص) پیام توحید و کلام خدا

دائماً مثل باد می‌وزد،

فرشتگان و هزاران پیر و اولیاء شب و روز به زیارت آن می‌آیند.

و همچنین:

رهایم کنید، مدینه مرا می خواند
از صحرای عرفات، فریاد تکبیر به گوش می رسد
زنجیرهای اسارتم گسسته شده، فرمان آزادی خویش را به دست گرفته‌ام
گرچه عمری به عبث گذشت و زندانی دنیا بودم
مدینه مرا می خواند
جایی که کلام خدا از زبان پیامبر(ص) جاری شد
نخستین ندا و خروش تکبیر(الله اکبر) برخاست
جایی که موسی، تجلی نور خدا را دید،
من بدانجا می روم
مدینه مرا می خواند
در خاک آن دیار غبار قدم‌های پیامبر هنوز برخاست
از آن سرمه می سازم و برچشم می کشم
آنجا که هوای آن آکنده از بوی خوش پیکر پیامبر است
و خاک آنجا، جسم مطهر پیامبر را در آغوش گرفته است

পীর॥...

(نذرالاسلام، ۲۰۱۸: ۹۵، ۹۶ و شیکدار، ۲۰۰۶: ۳۶)

রাখিসনে ধরিয়া মোরে, ডেকেছে মদিনা আমায়।
আরফাত-ময়দান হতে তারই তকবীর শোনা যায়॥
কেটেছে পায়ের বেড়ি, পেয়েছি আজাদি ফরমান,
কাটিল জিন্দেগি বৃথাই দুনিয়ার জিন্দান-খানায়॥
ফুটিল নবির মুখে যেথানে খোদার বাণী,
উঠিল প্রথম তকবীর 'আল্লাহ্ আকবর' ধ্বনি,
যে দেশে পাহাড়ে মুসা দেখিল খোদার জ্যোতি,
যাব রে যাব সেইখানে, রব না পড়িয়া হেথায়॥
যে দেশের ধূলিতে আছে নবিজির চরণ-ধূলি,
সে-ধূলি করিব সুর্মা, চুমিব নয়নে তুলি,
যে দেশের বাতাসে আছে নবিজির দেহের খোশবু,
যে দেশের মাটিতে আছে নবিজির দেহ মিশে হায়॥
খেলেছে যেথায় ফাতেমা, খেলেছে হাসান ও হোসেন,
যাব সেই বেহেশতে ধরার, খোদার ওই ঘর কাবা যথায়॥

(نذرالاسلام، ۲۰۰۷: ۳۰۴ و چودوری، ۲۰۰۰: ۱۸۳)

آنجا که فاطمه (س) زندگی کرد و جایگاه
بازی فرزندان زهرا (حسن و حسین) بود
من بدان بهشت این جهان رهسپار
خواهم شد، که آنجا خانهٔ خداست.
(شاهدی، ۱۳۷۴:۱۰۶)

۱۵-۱-۸. حضرت محمد(ص) راهنما برای وصل خدا است:

شاعر اعتقاد دارد که حضرت محمد(ص) تنها راهنمای است که بنده را با خداوند پیوند می‌دهد. لذا، وی از آن حضرت آرزو می‌کند که او را از بهشت راهنمایی برای وصل خدا کند:

ای محمد(ص)! از بهشت برین
برای وصل خدا راهنمایی کن،
از غم و اندوه این دنیا،
این بار مرا نجات ده.
من که پیر یا مرشدی ندارم
شب و روز ترا یاد می‌کنم،
(آرزومندم که) نام تو کشتی نجاتم در آن جهان (آخرت) شود.
مال و دولت، شهرت و عزت،
شب و روز دنبالش بودم،
(حالا) در غم و اندوه می‌سوزم
و جانم از بی‌سلامتی می‌نالد.
در هر دو عالم بدون خدا
سلامتی در جان حاصل نمی‌شود؛
ای حضرت نبی(ص)! راهنمایی کن
تا آن آب حیات (سلامتی) حاصلم شود.

ইয়া মোহাম্মদ, বেহেশত হতে
খোদায় পাওয়ার পথ দেখাও
এই দুনিয়ার দুঃখ থেকে
এবার আমায় নাজাত দাও॥
পীর মুর্শীদ পাইনি আমি,
তাই তোমায় ডাকি দিবস-যামী,
তোমারই নাম হউক হজরত
আমার পরপারের নাও॥
অর্থ-বিভব-যশ-সম্মান
চেয়ে চেয়ে নিশিদিন
দুঃখে শোকে জ্ব'লে মরি
পরাণ কাঁদে শান্তিহীন।
আল্লা ছাড়া ত্রিভুবনে,
শান্তি পাওয়া যায় না মনে
কোথায় পাবো সে আবেহায়াত
ইয়া নবিজি রাহ্ বাতাও॥
(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۳۸ و ۱۹۹۸: ۱۹۳)

۸-۱-۱۶. آرزوی زیارت حضرت محمد(ص):

نذرالاسلام چون عاشق واقعی حضرت محمد(ص) بود، آرزوی زیارتش را چنین اظهار داشته است:

اگر من زمین عرب شده بودم، (به ویژه) خاک راه مدینه،

حضرت نور نبی‌ام(ص) از این راه عبور می‌کرد.

پای‌زر[۱۵] او سینهٔ سخت من را لمس می‌کرد،

از خوشی فوق‌العاده (برای نصیب شدن ضرب قدمش) من مثل آبشار ذوب می‌شدم،

با سینه گرفتن آن خط قدم مبارکش

من به کوه طور فرار می‌کردم

و شب و روز در آنجا آن قدم مبارکش را زیارت می‌کردم...

আমি যদি আরব হ'তাম মদিনারই পথ,
এই পথে মোর চ'লে যেতেন নূর-নবী হজরত॥

পয়জার তাঁর লাগতো এসে আমার কঠিন বুকে,
আমি ঝর্ণা হয়ে গ'লে যেতাম অমনি পরম সুখে
সেই চিহ্ন বুকে পুরে
পালিয়ে যেতাম কোহ-ই-তুরে
সেথা দিবানিশি করতাম তাঁর কদম জিয়ারত॥

(نذرالاسلام، ۲۰۱۹: ۲۰۳)

۸-۱-۱۷. محمد(ص) نجات‌دهندهٔ مستضعفان است:

شاعر معتقد است که حضرت محمد(ص) منجی مظلومان و مستضعفان این جهان است و برای نجات مستمندان به دنیا تشریف آورده‌است:

مولای من!

تو برای (نجات) مظلومان و تهیدستان بدین جهان آمدی

سلطان بودی ولی زندگی را در فقر گذراندی

نه امارت را بر کس پسندیدی و نه فقر و

দীন দরিদ্র কাঙালের তরে এই দুনিয়ায় আসি'
হে হজরত, বাদশাহ হয়ে ছিলে তুমি উপবাসী॥
(তুমি) চাহ নাই কেহ হইবে আমির, পথের ফকির কেহ
(কেহ) মাথা গুঁজিবার পাইবে না ঠাঁই, কাহারো সোনার গেহ,
ক্ষুধার অন্ন পাইবে না কেহ, কারো শত দাস দাসী॥

---

۱۵. کفش

تهیدستی را

نه مردمانی بی سرپناه و بعضی با کاخهای طلایی

گروهی بی غذا و گرسنه و اندکی با صدها کنیز و غلام!

آه! امروز کسی نیست تا درد بی چیز انسانها بیان کند

اغنیا در عیش و عشرت غوطه‌ورند

اما مستضعفان مسلمان تو را می طلبند

امروز محروم از رحمت تو

سروری خویش را از دست داده ایم

نوکرانی چاپلوس و فرمانبر!

کی باشد که با محبت به دیگران

به آدمیت خویش باز گردیم. (شاهدی، ۱۳۷۴: ۸۴)

(আজ) মানুষের ব্যথা অভাবের কথা ভাবিবার কেহ নাই
ধনী মুসলিম ভোগ ও বিলাসে ডুবিয়া আছে সদাই,
(তাই) তোমারেই ডাকে যত মুসলিম গরিব শ্রমিক চাষি॥
বঞ্চিত মোরা হইয়াছি আজ তব রহমত হতে
সাহেবি গিয়াছে, মোসাহেবি করি ফিরি দুনিয়ার পথে,
আবার মানুষ হ'ব কবে মোরা মানুষেরে ভালোবাসি॥
(নজরুল ইসলাম, ২০১৮: ১১৫)

ترجمه‌گیری

قاضی نذرالاسلام شاعری است که نبوغ عظیم او هنوز کاملا اکتشاف نشده‌است. وی یک نابغهٔ شگرف ادبیات بنگلا می‌باشد. آثار جاودان او نه تنها ادبیات بنگلا را غنی ساخته، بلکه بر آثار بسیاری از شاعران دیگر این سرزمین هم تأثیر عمده گذاشته و آن‌را منوّر کرده‌است. وی از شیفتگان شاعران جاودان فارسی‌گوی ایران‌زمین مانند حافظ، خیام و سعدی بود. او از آثار آنها به‌ویژه غزلیات و رباعیات حافظ و رباعیات عمر خیام تاثیر پذیرفت و به‌طور خوبی ترجمه هم کرد که دارایی گرانبهایی برای ادبیات بنگلا نیز محسوب می‌شود. نذرالاسلام دورهٔ جدیدی را در ادبیات بنگلا ایجاد کرد که برای شاعران و نویسندگان مسلمانان بنگالی خیلی تشویق‌کننده بود. وی نیز مانند شاعران کلاسیک ایرانی، در وصف و ستایش پیامبر گرامی(ص) نعت‌های فراوان سرود که مملو از عشق و محبت آن حضرت(ص) است. ز نظر

قاضی نذرالاسلام، حضرت رسول اکرم(ص) محبوب خداوند، منجی گنهکاران و دوست توبه‌کاران می باشد. وی نور مجسّمی‌است که با نور الهی تطهیر شده و به دنیا تشریف آورده. وی تحفه رحمت خدا برای همه عالمیان است.

نعت‌های قاضی نذرالاسلام اینقدر جالب، آهنگین و دلچسب است که هنوز در محافل دینی بنگالی زبانان جهان خوانده می‌شود و مردم عامه نیز با آن‌ها آشنا هستند. در پایان این مقاله ذکر آن نعت دل‌انگیز را برای بیان قابلیت و استعداد نعت سرایی وی کافی بدانیم که به تقلید نعت مشهور جهان شیخ اجل سعدی سروده است:

تمام مخلوقات می‌سراید ای حضرت (ص)!
بلغ العلی بکماله
در جهان ظلمت آمدی ای آفتاب رسالت!
کشف الدّجی بجماله.
از روشنایی تو هنوز این جهان به خود مشغول است
لذا ما قبول نداریم که تو درمیان ما نیستی.
از حسنات تو این جهان روشن و منوّر است
حَسُنت جمیعٌ خصاله.
هر روز با شکست دادن الحاد
توحید که آئین دین کمال است، نمودار می‌شود.
از خوشبوی تو دنیا خوشحال شد و به بهشت تبدیل گشت
صلوا علیه و آله.

কুল মাখলুক গাহে হজরত
বালাগাল উলা বেকামালিহি,
আধাঁর ধরায় এলে আফতাব
কাশাফাদ্দুজা বেজামালিহি॥
রৌশনীতে আজো ধরা মশগুল
তাইতো ওফাতে করি না কবুল।
হাসনাতে আজো উজালা জাহান
হাসুনাৎ জামিয়ু খিসালিহি॥
নাস্তিরে করি' নিতি নাজেহাল,
জাগে তৌহীদ দীন-ই-কামাল।
খুশবুতে খুশি দুনিয়া বেহেশত-
সাল্লু আলায়হি ওয়া আলিহি॥
(چودوری. ۲۰۰۰: ۱۶۰و شاهدی. ۲۰۱۲: ۱)

فهرست منابع

قرآن کریم

اجیب‌الحق، شیخ. (۲۰۰۱م). *নজরুল ইসলাম জীবন ও সাহিত্য* (نذرالاسلام زندگی و آثار ادبی). داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

احمد، شهاب‌الدین. (۱۹۹۹م). *নজরুল সাহিত্য-বিচার* (داوری در آثار ادبی نذرالاسلام). داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

احمد، شهاب‌الدین. (۲۰۰۱م). *কাজী নজরুল ইসলাম* (قاضی نذرالاسلام). *সংক্ষিপ্ত ইসলামী বিশ্বকোষ* ১ম খণ্ড (دایره المعارف مختصر اسلامی جلد ۱). داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

اسدالحق. (۲۰۰۰م). *ইসলামী ঐতিহ্যে নজরুল-সঙ্গীত* (سرودهای نذرالاسلام در سنت اسلامی). داکا: مؤسسهٔ نذرالاسلام

اسدالحق. (۱۹۹۰م). *নজরুল: সঙ্গীতের রূপকার* (نذرالاسلام: خلق کنندهٔ سرودها). داکا: مؤسسهٔ نذرالاسلام

برزگرکشتلی، حسین. (۱۳۷۵ش). نذرالاسلام. (ویراستار) حسن انوشه، *دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه قاره: هند، پاکستان، بنگلادش) جلد چهارم*، ۲۵۳۲-۲۵۳۳، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی

بیگی، شاهرخ محمد و حسن، مهدی. (۱۳۹۳ش). عشق به اهل بیت(ع) در نغمات قاضی نذرالاسلام نویسنده و شاعری بنگالی. *فصلنامه ادبیات دینی*، شماره ششم، ۱۴۹-۱۵۵، مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه خراسان رضوی

تالوکدار، رضاءالکریم. (۱۹۹۴م). *Nazrul* (نذرالاسلام). داکا: منّان

چودوری، عبدالمقیت (ویراستار). (۲۰۰۰م). *নজরুল ইসলাম ঃ ইসলামী গান* (نذرالاسلام : ترانه‌های اسلامی). داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

حسن، مهدی. (۲۰۲۰م). ستایش نام محمد (ص) در سرودهای قاضی نذرالاسلام گرایش به شاعران فارسی. *সংগীত শেকড়* (ریشهٔ موسیقی)، دوره ۲، شماره یکم، ۳۷-۴۷، داکا: مرکز بین‌المللی برای موسیقی بنگلا

حسن، مهدی (۲۰۱۵م). *نعت رسول (ص) در نغمات اسلامی قاضی نذرالاسلام* (پایاننامهٔ ام.فیل دانشگاه داکا). هنور چاپ نشده.

حسن، مهدی و زکریا. (۲۰۸م). عشق از دیدگاه قاضی نذرالاسلام و حافظ شیرازی. هنر *زبان*، دوره ۳، شماره ۳، ۶۳ ۸۲، شیراز: فصلنامه علمی-تخصصی هنر زبان

خان، ک ام سیف‌الاسلام. (۱۹۹۹م). *বাংলা ও ফার্সী কাব্যে না'তে রাসূল (সা)* (نعت رسول ص. در اشعار بنگلا و فارسی) : *مجلهٔ بنیاد اسلامی*، سال ۳۸، شماره ۳، ۶۷-۹۳، داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۷ش). *لغتنامه جلد ۴۸*. تهران: دانشگاه تهران

دهشیری، سید ضیاء الدین. (۱۳۴۸ش). *نعت حضرت رسول اکرم (ص) در شعر فارسی*. تهران: انتشارات نور

رفیق‌الاسلام. (۱۹۸۲م). *কাজী নজরুল ইসলাম জীবন ও কবিতা* (قاضی نذرالاسلام حیات و اشعار). داکا: برادران ملّیک

رفیق‌الاسلام و ابوجعفر، محمد و فضل‌الحق، ابوالقاسم (ویرستار). (۱۹۹۰م). *কবিতা সংগ্রহ* (مجموعهٔ اشعار). داکا: دانشگاه داکا

سعدی، شیخ مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۶ش). *کلیات سعدی* (به اهتمام محمد علی فروغی). تهران: مؤسسهٔ انتشارات امیر کبیر

سوره الاحزاب. (شمارهٔ آیه ۵۶). *القرآن‌الکریم*.

شاهدی، محمد عیسی. (۲۰۱۲م). *প্রেমের আরশি বালাগাল উলা বিকামা'লিহী* (آئینهٔ عشق بلغ العلی بکماله). داکا: انتشارات خیرون

شاهدی، محمد عیسی. (۱۹۹۰م). *ইরানের বুলবুল হাফেজ শিরাজী* (بلبل ایران حافظ شیرازی). داکا: آکادمی تحقیقات و تربیات اسلامی

شاهدی، محمد عیسی و ابوالبشر، کلثوم. (۱۳۷۴ش). *گزیدهٔ احوال و آثار قاضی نذرالاسلام (شاعر ملی بنگلادش)*، (به کوشش) علی آورسجی، (ویراستار) محمد کاظم کهدویی. داکا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی داکا بنگلادش

شیکدار، عبدالحی. (۱۹۹۶م). *কবি-তীর্থ চুরুলিয়া* (زیارتگاه شاعر چورولیا). داکا: انتشارات الامین

ـــــــــــــــ (۲۰۰۶م). *নজরুল-রচনায় মোহররম* (محرم در آثار نذرالاسلام). داکا: مؤسسهٔ نذرالاسلام

عارف، حکیم. (۱۹۹۷م). *নজরুল-শব্দপঞ্জি* (فهرست واژگان آثار نذرالاسلام). داکا: مؤسسهٔ نذرالاسلام

قمشه‌ای، مهدی الهی. (۱۳۸۲ش). *القرآن الکریم* (ترجمهٔ فارسی). تهران: انتشارات اسوه

قندلوی، علامه ادریس. (۲۰۰۴م). *سیرت المصطفی جلد اول* (مترجم: کلام آزاد). داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

کمال، ساجد. (۲۰۰۰م). *Kazi Nazrul Islam-Selected Works* (گزیده از آثار قاضی نذرالاسلام). داکا: مؤسسه نذرالاسلام

گوسوامی، کاروناماى. (۱۹۹۰م). *বাংলা কাব্যগীতির ধারায় কাজী নজরুল ইসলামের স্থান* (جایگاه قاضی نذرالاسلام در سلسلهٔ ادبیات غنایی بنگلا). داکا: بنگلا اکادمی

معین‌الدین، خان محمد. (۱۹۹۶م). *যুগ-স্রষ্টা নজরুল* (نذرالاسلام سازندهٔ دوره). داکا: کتابخانهٔ الحمره

معین، دکتر محمد. (۱۳۷۱ش). *فرهنگ فارسی جلد ۴*. تهران: امیرکبیر

منیرالزمان، محمد و حسین، سید اکرم (ویراستار). (۱۹۸۷م). *প্রবন্ধ সংগ্রহ* (مجموعهٔ مقالات). داکا: دانشگاه داکا

میزان‌الرحمان. (۱۹۸۳م). *Nazrul Islam* (نذرالاسلام). داکا: بنیاد اسلامی بنگلادش

نذرالاسلام، قاضی. (۲۰۰۷م). *নজরুল রচনাবলী চতুর্থ খণ্ড* (تألیفات نذرالاسلام جلد چهارم). (ویراستار) رفیق‌الاسلام، محمد محفوظالله، ابوالکلام منظور مرشد، عبدالمنان سید، ابوالقاسم فضل‌الحق. داکا: بنگلا اکادمی

_____ (۲۰۱۶م). *নজরুল রচনাবলী পঞ্চম খণ্ড* (تألیفات نذرالاسلام جلد پنجم). (ویراستار) رفق‌الاسلام، محمد محفوظالله، ابوالکلام منظور مرشد، عبدالمنان سید، ابوالقاسم فضل‌الحق. داکا: بنگلا اکادمی

_____ (۲۰۱۸م). *নজরুল রচনাবলী সপ্তম খণ্ড* (تألیفات نذرالاسلام جلد هفتم). (ویراستار) رفق‌الاسلام، محمد محفوظالله، ابوالکلام منظور مرشد، عبدالمنان سید، ابوالقاسم فضل‌الحق. داکا: بنگلا اکادمی

_____ (۲۰۱۹م). *নজরুল রচনাবলী দশম খণ্ড* (تألیفات نذرالاسلام جلد دهم). (ویراستار) رفق‌الاسلام، محمد محفوظالله، ابوالکلام منظور مرشد، عبدالمنان سید، ابوالقاسم فضل‌الحق. داکا: بنگلا اکادمی

_____ (۲۰۱۶م). *নজরুল রচনাবলী একাদশ খণ্ড* (تألیفات نذرالاسلام جلد یازدهم). (ویراستار) رفق‌الاسلام، محمد محفوظالله، ابوالکلام منظور مرشد، عبدالمنان سید، ابوالقاسم فضل‌الحق. داکا: بنگلا اکادمی

_____ (۱۹۹۸م). *নির্বাচিত নজরুল গীতিমালঞ্চ* (گزیدهٔ ترانه‌های نذرالاسلام). کلکته: انتشارات شهیتوم

_____ (۲۰۰۰م). *রুবাইয়াৎ-ই-ওমর খৈয়াম* (رباعیات عمر خیام). کلکته: کتابخانهٔ موهون

نورالهدا، محمد. (۱۹۹۷م). *Poetry of Kazi Nazrul Islam in English translation* (اشعار قاضی نذرالاسلام در ترجمهٔ انگلیسی). داکا: مؤسسهٔ نذرالاسلام